

بررسی شیوه های مشارکت والدین در امور فرهنگی-آموزشی مدارس

فاطمه صغری مومنیان^۱، نرگس ابوطالبی^۲، خدیجه نوروزی^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری-کارشناسی ارشد، تکنولوژی آموزشی، کارشناس امور فرهنگی، دانشگاه فرهنگیان ساری.

^۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری-کارشناسی ارشد، روان شناسی تربیتی، مدرس دانشگاه فرهنگیان ساری.

^۳ کارشناس، حرفه و فن، مرکز تربیت معلم، قائمشهر، ایران و دبیر آموزش و پرورش شهرستان نکا.

چکیده

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی ضامن سلامت، سعادت و تعالی جامعه می باشد. به بیان دیگر خانه و خانواده بنیان گذار اصلی شخصیت کودک به شمار می رود. خانواده نخستین پرورشگاه و آموزشگاه هر جامعه است. از سوی دیگر اولیای تعلیم و تربیت می باشند چنانچه این دو هم سر با یکدیگر در زمینه ی تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم گام بردارند حاصل این تعامل، نسلی تربیت شده و آماده ی خدمت به آینده ی کشور اسلامی می گردد. بنابراین نقش مشارکت خانواده در امور فرهنگی، علمی، پرورشی و مذهبی در مدارس بسیار مهم قلمداد می شود. امروزه در نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی کشورها از جایگاه والایی برخوردار می باشد.

واژه های کلیدی: شیوه، مشارکت والدین، امور فرهنگی، مدارس.

مقدمه

مسأله‌ی تربیت، مسأله‌ی حیات و ملمات هاست، بنای آن در خانواده آغاز می‌شود و جامعه و مدرسه تکمیل می‌گردد. طفل این موجود فرشته‌گونه موضوع تربیت و امانت داری از خدا در دست والدین و مردم است. خداوند او را مورد آزمایش و فتنه‌ای برای والدین قرار داده تا بر آن‌ها معلوم گردد به چه حد میزان لایق امانت داری خداوندند و چگونه از تعالیم او برای اداره و صیانت این امانت استفاده می‌کنند (قائمی، ۱۳۸۹ ص ۶).

بر کسی پوشیده نیست که معلم در تربیت و سرنوشت کودک نقش مؤثری ایفا می‌کند، او بر کلیه رفتارها و عملکرد فراگیران تأثیر گذار است. همان تأثیری که آفتاب بر زمین می‌گذارد و همان نتایجی که آب در حیات بر جای می‌گذارد. در زندگی بشر سازمان‌ها و نهاد‌های گوناگون دست در دست یکدیگر در جهت پیشرفت جوامع تلاش می‌کنند، اما به نظر می‌رسد سازمان آموزش و پرورش به دلایل مختلف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است از جمله:

اول این که به خاطر گستردگی، تقریباً تمامی افراد یک مملکت با آموزش و پرورش سر و کار دارند، حال این ارتباط می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشد. برای نمونه اکثر قریب به اتفاق خانواده‌ها یک یا چند دانش آموز دارند. خیلی از خانواده‌ها یک یا چند آموزگار به جامعه تحویل داده‌اند که این دو نمونه رابطه مستقیم افراد جامعه را با آموزش و پرورش نشان می‌دهد. سایر افراد نیز به طور غیر مستقیم با سازمان آموزش و پرورش ارتباط دارند.

خانه و خانواده بینای گذار پایه‌های اصلی شخصیت کودک می‌باشند. خانواده به کمک ملاک‌هایی را موفقیت می‌آموزد و به کودک انتظاراتی در مورد آینده‌اش می‌بخشد. در حقیقت باید گفت نقش خانواده در پرورش اجتماعی فرزندان بسیار حیاتی و مؤثرتر می‌باشد. در خانه کودک می‌آموزد که به حقوق انسان‌ها، به رأی و عقیده‌ی انسان‌ها و تساوی انسان‌ها احترام بگذارد و ارزش‌های دینی را فراگیرد. خانواده با اصرار بر انجام این امور توسط فرزندان خویش همسو با معلمان در مدرسه گام برداشته است. کمک و مشارکت در حفظ تهاجم فرهنگی از طریق وسایل سمعی و بصری روبرو هستیم. وسایلی که تفکر و اندیشمندان را فدای مصرف و تفریح و سرگرمی می‌کنند.

فرهنگ یک ملت شامل اطلاعات، معلومات، فکر و ویژگی آن تعلق، تمدن و نیز توان از لحاظ پیگیری تحول و تکامل است. امروزه رسانه‌های جمعی به ابزارهای ارتباطی تبدیل شده‌اند. خود ارتباطات به صورت علمی در آمده است، ملت‌ها ناگزیرند با این علم، دگرگونی و تکامل آن آشنا گردند. باید راه بهتر ساختن فرهنگ را فراگیرند، البته بدون آن که ریشه و حس تعلق و وابستگی خود را از دست دهند. هر فرهنگی برای ادامه‌ی حیات و حفظ موجودیت خود باید راه جلوگیری از سلطه و تهاجم را بداند و بشناسد در این مسیر به خصوص باید به یاری جوانان بشتابیم و این مهم تا حد بسیار زیادی از عهده‌ی هیچکس بر نمی‌آید مگر والدین محترم این جوان.

طرح مسئله

امروزه به دلیل توزیع سریع و همگانی اطلاعات، جهانی‌شدن و از بین رفتن مرزهای فیزیکی ارتباط، لزوم هماهنگی با تغییرات محیط، محدود بودن بودجه و امکانات نظام تربیت رسمی و عمومی به نسبت وسعت و گستردگی آن، افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش تقاضای مردم در دریافت خدمات تربیت رسمی و عمومی، تداوم نقش تربیتی خانواده در زمینه تربیت رسمی و عمومی، لازم و ضروری است. یکی از کارکردهای اصلی خانواده تعلیم و تربیت فرزندان است. مشارکت و همسوسازی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی عنصر جدایی‌ناپذیر در فرایند آموزش و پرورش است که از زمان‌های گذشته تاکنون با فراز و نشیب‌هایی ادامه داشته است (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰). اسناد یونسکو (۲۰۰۰ به نقل از هندرسون و ماپ، ۲۰۰۲) نیز نشان داده است که نظام تربیت رسمی و عمومی برای محقق نمودن اهداف خود به‌تنهایی قادر به تأمین منابع نیست و نیازمند همسوسازی و

مشارکت فعال خانواده‌ها می‌باشد. بر این اساس تداوم نقش تربیتی خانواده در تربیت رسمی و عمومی، تکمیل‌کننده رسالت نظام تربیت رسمی و عمومی است (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰). به‌طور کل ذات آموزش و پرورش، مشارکت تمام عناصر دخیل در فرآیند، یاددهی-یادگیری را طلب می‌کند. به‌طور کل می‌توان گفت که خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند خانه مدرسه‌ی اول فرزند و مدرسه خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش‌ها و برنامه‌های هماهنگ نداشته باشند، در روند رشد کودک اختلال به وجود می‌آید. دو نهاد خانه و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند. بین روش‌ها و منش‌های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون، کار دیگری را خنثی نکند، بلکه به‌عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند. مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روش‌های گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیا را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند (صمدی و رضایی، ۱۳۹۰). حال با توجه به موارد فوق "شیوه‌های مشارکت والدین در امور فرهنگی مدارس" به‌عنوان اهداف اصلی محققان در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدف کلی

-شناسایی عوامل مؤثر بر شیوه‌های مشارکت والدین در امور فرهنگی-آموزشی مدارس

پیشینه تحقیق

الف-پیشینه خارجی

بررسی‌های انجام‌شده از زاویه دید روانشناسان (آیزنبرگ و لوسویا، ۱۹۹۷) و جامعه‌شناسان (بکر و اپستین، ۱۹۹۳؛ هندرسون و برلا، ۱۹۹۴؛ وینسنت و تام، ۲۰۰۰) و روانشناسان اجتماعی (براون و فرانسیس، ۱۹۹۳) نیز حاکی است که خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد. همه‌چیز در این محیط، به‌ویژه عوامل انسانی و بخصوص والدین بسیار تأثیرگذار است و تأثیرپذیری فوق‌العاده کودک و روابط عاطفی حاکم بر خانواده، این تأثیرپذیری را هر چه بیشتر می‌کند.

سپانگن و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان "مشارکت والدین در آموزش کودکان به اهمیت، موانع و مزایای مشارکت خانواده در تعلیم و تربیت کودکان" پرداخته‌اند. آنها بیان داشتند که والدین به بهبود فرآیند یادگیری فرزندان کمک کرده و فرصت‌های زیادی در افزایش موفقیت، بهبود روحیه، نگرش و پیشرفت تحصیلی فرزندان مورد مطالعه داشته‌اند. در این مطالعه موانع رایج در مشارکت والدین را شامل نگرش بدبینانه والدین نسبت به پشتیبانی مدرسه در بچه‌های مورد مطالعه بیان کرده‌اند. آنها بیشتر به حقیقت نقش پدر و مادر در عملکرد شخصیتی و آموزشی کودکان اشاره کرده، همچنین به نقش زیاد تلاش مداوم پدر و مادر در دستیابی به موفقیت بالاتر اشاره داشته‌اند.

بیکر و اپستین (۲۰۰۳) در نظرخواهی که از ۳۷۰۰ معلم دوره ابتدایی در مورد "رابطه با اولیا" و اقداماتی که برای جلب این همکاری انجام داده‌اند دریافتند که باینکه اکثریت این گروه مشارکت اولیا را در مورد تحصیل فرزند خود عامل مهمی در موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌دانند، تنها ۹ درصد از معلمان چنین مشارکتی را جلب نموده‌اند. این معلمان در پاسخ به این سؤال که مشکل آنان در جلب همکاری اولیا چیست، پاسخ داده‌اند که با شیوه‌های مؤثر ارتباط با اولیا آشنا نیستند.

ب-پیشینه داخلی

سیف نراقی و فریقی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی چگونگی تعامل اولیا، معلمان، دانش‌آموزان عادی و دیرآموز و رابطه آن با افت تحصیلی دیرآموزان در مدارس عادی" پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که بین افت تحصیلی دانش‌آموزان

دیرآموز و وضعیت تعامل والدین آنها با معلمان رابطه معنادار وجود دارد. معلمان «تعامل اولیاء با مربیان و فرزندان» و «تعامل دیرآموزان با سایر دانش آموزان» را به ترتیب با فراوانی نسبی ۷۳.۳ درصد و ۸۰ درصد در حد ضعیف برشمرده اند و نتایج «نظر خواهی از والدین» و نیز موید نامناسب بودن تعامل با آنهاست به طوری که ۶۳.۳ درصد معلمان از والدین اظهار نموده اند که محیط یادگیری فرزندان دیرآموزشان، مشوق یادگیری نیست. در پایان پژوهش به منظور بهبود کیفیت فرایند آموزش و پرورش دانش آموزان دیرآموز در مدارس عادی دوره ابتدایی و راهنمایی، پیشنهادهایی شده است تا ارتقاء «کارآمدی معلمان در مواجهه با دیرآموز» و «تعامل اولیا با معلمان و فرزندان» را فراهم سازد.

صمدی و رضایی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین" بیان کردند که هم حکومت اسلامی هم صاحب نظران حوزه های علمی از جمله روانشناسان و جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی، تداوم نقش تربیتی خانواده را در نظام تربیت رسمی و عمومی مطرح و ضروری دانسته اند. هر دو حوزه، پیش نیاز این تداوم نقش را "اعتماد" و حد و حدود آن را "مشارکت در سیاستگذاری" و "اجرا" و دستاوردهای آن را "کنترل سلطه نامحدود دولت بر نظام تربیت رسمی و عمومی"، "پاسخگو نمودن نظام تربیت رسمی و عمومی نسبت به عملکرد خود"، "تقویت حس مالکیت در خانواده ها"، "مضاعف شدن توانمندی خانواده" نام برده اند.

بهبودی، هایده (۱۳۸۷)، در پژوهشی تحت عنوان "اهمیت مشارکت والدین در فعالیت های مدرسه" بیان کردند که مشارکت جدی خانواده و مدرسه همیشه مورد توجه متخصصان امر آموزش و پرورش و خانواده ها بوده است. اما گاهی مواقع عدم شناخت اولیاء از اهداف و کارکردهای مدرسه منجر باعث می شود ارتباط و همکاری بین خانواده و مدرسه به درستی انجام نشود و درحالی که مشارکت واقعی زمانی صورت می گیرد که خانواده در امور مدرسه درگیر شوند و مدرسه نیز خانواده را همراه و همیار خود ببیند. پژوهش ها نشان داده است هر قدر والدین در مسائل مدرسه فرزندان شان بیشتر مشارکت داشته باشند، پیشرفت تحصیلی کودک افزایش می یابد. بنابراین، تقویت مشارکت خانواده و مدرسه از پیش نیازهای یک برنامه ی مؤثر است که باید مورد توجه قرار گیرد.

مدرسه و تربیت اجتماعی جامعه

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی ایی را که بالقوه در یک شی موجود است و به فعلیت در آوردن و پروردن آن ها. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار بکار ببریم مجازا به کار برده ایم. نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شی را پرورش داده ایم یعنی یک سنگ و یا یک فلز را نمی شود پرورش داد آن طور که یک گیاه یا یک حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند. (مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۷۸)

این پرورش دادنها به معنی شکوفایی استعدادهای درونی آن موجود است که فقط در مورد موجودهای زنده صادق است و از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شی باشد. اگر بنا باشد یک شی شکوفا بشود، باید کوشش کرد همان استعداد هایی که در آن هست بروز و ظهور بکند. اما اگر استعدادی در یک شی نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی شود آن را پرورش داد. مثلا استعداد درس خواندن در یک مرغ وجود ندارد به همین جهت ما نمی توانیم یک مرغ را تعلیمات بدهیم که مثلا ریاضیات یاد بگیرد و مسائل حساب و هندسه را حل کند. استعدادی را که در او وجود ندارد نمی شود بروز داد. و باز از همین جا معلوم می شود که ترس و ارعاب و تهدید در انسان ها عامل تربیت نیست (تربیت به همان معنای پرورش) یعنی استعدادهای هیچ انسانی را از راه ترساندن، زدن، ارعاب و تهدید نمی شود پرورش داد.

معنی و مفهوم تربیت:

تعلیم و تربیت آدمی امری است خطیر که انسانیت انسان در گرو آن است و اگر انسان تعلیم و تربیت مناسب یابد، انسان و گرنه حیوان و فروتر از آن باشد. و این امر موکول به آن است که معنی و مفهوم تربیت شناخته شود و مقصود آن مشخص گردد تا راهگشای تعیین روش، محتوا و شرایط و آداب تعلیم و تربیت باشد. تربیت عملی است که توسط نسل بالغ روی نسل نا بالغ اعمال می شود. هدف تربیت بیشتر کسب آمادگی برای تحصیل معارف، فنون و مهارت ها و سرمایه هایی از این قبیل است تا کسب واقعی خود این سرمایه ها (مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۷۸).

موجوداتی چون آدمی که کمالشان از وجود متاخر است در حرکت از نقصان به کمال، به کمک اسبابی محتاج اند که بعضی از آن ها مکالمات نام دارند و بعضی دیگر معدات. تربیت سعی در سازمان دادن معدات و عملا به معنی تاثیر گذاشتن است. این تاثیر که باید مسیر استکمالی موجود را تسریع و تسهیل کند در عمل سه نوع فعالیت متمایز را شامل می شود که عبارتند از: پرستاری؛ تادیب؛ تعلیم.

تعلیم و تعلم نیز چنانچه با روش درست صورت پذیرد نوعی تربیت است. زیرا به پرورش استعدادهای بالقوه ی آدمی کمک می کند. سپس با پایان یافتن دوره ی تعلیمات که مقارن با تکمیل مکملات است. تربیت به معنای تاثیر بزرگسال روی خردسال خاتمه می یابد و نوبت به تربیت به معنی تاثیر شخص روی خودش و یا خودآموزی فرا می رسد که در این صورت تربیت نه مراقبت از رشد بلکه عین رشد است و آن را پایانی متصور نیست.

تفکر درباره ی تربیت آدمی به دلایلی که ذکر شد فضیلت است و جز مستحبات محسوب می شود. اما کسب معرفت نسبت به مسائل تعلیم و تربیت، که تفکر و تامل لازمه ی آن است. برای آن کس که به امور تربیت اشتغال دارد اعم از اینکه به تعیین هدفها، سیاست ها و خط مشی ها و برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی سرگرم یا در موسسات مختلف عملا و از نزدیک با تربیت نسل جوان درگیر باشد و برای اجرای برنامه ها و نیل به هدفها تلاش کند، واجب است. زیرا موفقیت در تعلیم و تربیت آدمی تا حد زیادی در گرو بصیرت فرد نسبت به این قبیل فعالیت هاست. تعلیم و تربیت جنبه های مختلف و متعدد دارد و تفکر درباره ی هر یک از این جنبه ها از لحاظی ارزنده و آموزنده است. معنا و مفهوم تربیت بسیار مهم است. زیرا عدم اطلاع کامل مربی از معنای واقعی تربیت ممکن است سبب شود که آنچه را که در واقع وسیله ایی بیش نیست هدف پندارد و بدین ترتیب جریان رشد را ندانسته در نیمه راه متوقف سازد. مثلا دیده شده است کسانی که از بینش وسیع درباره ی هدف تعلیم و تربیت بی بهره اند گاهی با کمال حسن نیت برای بهبود امتحانات یا ارزیابی روش و کار معلمان، روش هایی را توصیه یا تدابیری را اتخاذ می کنند که جریان تعلیم و تربیت را از مسیر صحیح خارج می سازد و روی هم رفته به کیفیت تعلیم و تربیت لطمه ی فراوان می زند.

فرآیندهای تربیتی:

تعلیم و تربیت عبارت از آن است که به یک موجود انسانی نوعی زندگی که مطابق با ساختمان شخصی او و مبتنی بر ارزش های معنوی باشد بدهیم. عمل تربیتی، لاقلا در مراحل اولیه خود مستلزم واسطه ایست که پای مورد تربیت را به دنیای ارزش ها یا سرمایه های فرهنگی باز کند.

بنابراین عمل تربیتی سه عامل اساسی را شامل می شود: الف: موضوع تربیت (کودک) ب: وسایل (سرمایه های فرهنگی) ج: و فاعل (مربی) (غلامحسین شکوهی، ۱۳۸۸)

الف) موضوع تربیت: عمل تربیتی مبتنی بر تبعیت، باید فرد را برای تربیت مستقل آماده کند. مربی نمی تواند این هدف را از نظر دور بدارد پرورش شخصیت از راه کوشش مداومی که شخص را از قلمرو ارزش های مشروط به ارزش های مطلق سوق می دهد عمل می شود مدرسه ی فعال سعی دارد رشد شخصیت را در جهت این مسیر هدایت کند.

ب) وسایل (سرمایه های فرهنگی) تعلیم و تربیت: سرمایه های فرهنگی صورت خارجی یافتن یک روح انسانی فردی یا روح جمعی یک ملت است. سرمایه های فرهنگی نمایش گر ارزش های معنوی هستند. چنان که محصولات طبیعی دارای ارزش های مادی می باشند به علاوه این سرمایه ها ارزش تربیتی نیز دارند یعنی می توانند برای پرورش شخصیت اخلاقی مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین تئوری تعلیم و تربیت باید سازمان بندی سرمایه های فرهنگی و ساخت فردیت را بشناسد تا روابطی لافل نظری بین این دو برقرار سازد.

ج) فاعل تعلیم و تربیت: موسسات و معلمان و ... وظیفه تعلیم و تربیت به عهده ی موسسات و اشخاص است. موسسات دو نوع هستند: ۱- موسساتی که تعلیم و تربیت آن ها فاقد ساخت و هدف اساسی است ۲- موسساتی که در درجه ی اول برای تاثیر تربیتی به وجود آمده است.

تعلیم همیشه همراه با تربیت می باشد و نمی تواند از تربیت جدا باشد و عمل تربیتی عملی است که الف) یک عمل شناسایی است ب) یک عمل محبت آمیز است ج) یک عمل دینی (تحقق ارزش های معنوی) می باشد د) یک عمل اصولی و علمی (پیوستگی اصول تعلیم و تربیت) است. با توجه به این صفات می توان مبانی روانی لازم برای مربی را معین کرد.

آنچه که برای مربی ضروری است عبارتند از: علاقه های طبیعی به آدمی و به خصوص برای کودکان، لطافت عاطفی، خرسندی از بازی های بی غرضانه، استعداد خاص برای مشاهده که تشخیص نسبتا سریع شخصیت کودک را ممکن می سازد و آخر الامر مهارت در تربیت کودک طبق استعدادهای شخص کودک.

این ساخت روحی صور مختلف به خود می گیرد ولی اساس مطلقا ضروری آن اعتقاد به ارزش های ابدی، به پیروزی ممکن عقل بر شهوت و به اهمیت از خود گذشتگی در راه پیشرفت فرهنگی و اخلاقی فرد و عالم انسانیت است. ایمان به ارزش تعلیم و تربیت به طور کلی زاییده ی همین اعتقادات است. (غلامحسین شکوهی، ۱۳۸۸)

اهمیت مشارکت

مشارکت، همواره یکی از ابزارهای مهم زندگی انسان ها بوده است. ادیان الهی و مذاهب گوناگون، مشارکت را زمینه ای برای کوشش های عبادی و سیاسی پیروان خود می دانند و آن را به مانند نوعی ابزار نیرومند اداری و سیاسی می پذیرند. مشارکت اولیای دانش آموزان در امور مدرسه باعث سوق یافتن امکانات معنوی، علمی آموزشی، تربیتی و مالی جامعه به سمت مدارس می گردد. در پرتو چنین رویدادی نیروهای انسانی خلاق، ماهر و متخصص به نحو مطلوب پرورش می یابند. والدین به شکل های مختلف می توانند در تعلیم و تربیت فرزندان خود مشارکت کنند، مانند: کمک به شناخت ویژگی های روانی دانش آموزان، بررسی نارسایی های آموزشی و کمک به برنامه ریزی و اجرای برنامه های آموزشی و کمک به شناخت علل رفتارها و اصلاح آن ها. در این بین مدیر مدرسه در جلب مشارکت اولیا به ویژه در مشارکت مادی نقشی مهم بر عهده دارد. در حقیقت حلقه ی اتصال بین مدرسه و حرکت مردمی، مدیریت مطلوب است. مدرسه، یکی از نهادهای تربیتی و آموزشی بسیار مهم است که نیازمند مشارکت اولیای دانش آموزان و دیگر سازمان هاست. شماری از نظریه پردازان بر این باورند که بیش تر کارهای مردم در سراسر جهان بر محور مشارکت می گردد و جلب همکاری خانواده نیز از عوامل لازم مدیریت آموزشی است.

بی گمان هرگاه مردم بسیاری در فراگرد تصمیم گیری مشارکت کنند، راه های انتخاب گسترده تر می شود و پیامد آن به یقین نیکوتر خواهد بود. اگر مدیر آموزشی بتواند باور و نگرش مثبت در والدین دانش آموزان ایجاد کند و همکاری آنان را در امور آموزشی و تربیتی جلب نماید، رابطه ی میان مدرسه و والدین نیز به وجود می یابد.

موانع مشارکت اولیا در امور مدرسه

در هر مجموعه ای مدیر به عنوان اثرگذار ترین عامل در موفقیت آن سیستم در دست یابی به اهداف سیستم قلمداد می شود. از این رو نگاه مدیرمدرسه به انجمن اولیا و مربیان و مشارکت اولیا در امور مدرسه (بعنوان یکی از اجزا تاثیر گذار برسیستم آموزشی) نقش اساسی در نزدیکی یا دوری اولیا به مدرسه ایفا می کند. نگاه مشارکت جویانه ی مدیران موجب استفاده ی مطلوب از ظرفیت ها ی اولیا می گردد و آنها نیز با نگاه خدمت به فرزندان خویش بامدرسه ارتباط صمیمی برقرار نموده، در رفع موانع و مشکلات آموزشی و پرورشی، از هر گونه اقدامی دریغ نمی کنند. برعکس، نگاه منفی مدیران به مشارکت اولیا موجب فاصله گرفتن آنها از مدرسه می شود و عملاً حل مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی مدرسه به آسانی صورت نمی گیرد.

به طور خلاصه موانعی که از سوی مدرسه بر سر راه مشارکت اولیا در امور ایجاد می شود، به قرار زیر است:

- ۱- نگاه سنتی مدیر به اداره ی مدرسه.
- ۲- آشنا نبودن مربیان به مزایای مشارکت اولیا.
- ۳- احساس نا توانی در هدایت اولیا به سمت فعالیت های آموزشی و پرورشی.
- ۴- ترس از مداخله ی بیجای اولیا در امور مدرسه.
- ۵- نگاه منفی مدیر به حضور اولیا در مدرسه.
- ۶- ترس از کم شدن قدرت مدیر به عبارتی قدرت طلبی مدیر.
- ۷- نگاه سنتی به انجمن اولیا و مربیان مدرسه.
- ۸- عدم انگیزه ی مدیر در جلب مشارکت اولیا. (شیخ، ۱۳۸۲)

موانع مشارکت از سوی اولیا:

عدم مشارکت اولیا در امور مدرسه به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله ی مهم ترین آنها عوامل فرهنگی و اجتماعی و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش است. بسیاری از اولیا معتقدند که مسئولان مدرسه ارزشی برای عقاید و نظرات آموزشی و پرورشی آنها قائل نیستند. بسیاری از اولیا نیز تعلیم و تربیت را وظیفه ی دولت می دانند و هر گونه مسئولیتی در این زمینه را از خود سلب می کنند. برخی به تجربه دریافتند که مسئولان مدرسه از طریق انجمن اولیا و مربیان مدرسه تنها نگاه اقتصادی به آنها دارند و در دیگر امور هیچ حقی برایشان قائل نیستند. عواملی از این نوع و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش و فرزند خود موجب گردیده است که ارتباط اولیا و مربیان از انسجام لازم برخوردار نباشد. در نتیجه ی این امر، عدم موفقیت لازم در تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بوده است.

به طور خلاصه، برخی موانع مشارکت از سوی اولیا عبارتند از:

- ۱- عدم آگاهی از حقوق خویش در قبال مدرسه.
- ۲- ترس از درخواست کمک مالی به مدرسه.

۳- ترس از موضع گیری خشونت آمیز مسئولین مدرسه در قبال ارائه ی عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی.

۴- نداشتن فرصت مشارکت.

۵- عدم آگاهی نسبت به چگونگی مشارکت.

۶- باور داشتن به مسئولیت پذیر بودن فرزند در دوره ی راهنمایی، به ویژه دبیرستان.

۷- احساس بی توجهی نسبت به عقاید و نظریات آنها توسط مسئولین مدرسه.

۸- عدم آگاهی از مزایای مشارکت در امور مدرسه.

به جز موانع فوق که در ارتباط اولیا با مدرسه مورد توجه قرار گرفتند، موانع دیگری نیز باعث عدم مشارکت اولیا در امور مدرسه می گردد که از جمله ی آنها فقدان مکان مناسب برای حضور اولیا در مدرسه و برقراری ارتباط با مربیان، فقدان قوانین ومقررات شفاف در زمینه ی حقوق اولیا، کم توجهی برخی مدیران آموزش و پرورش در استان ها و مناطق به انجمن اولیا و مربیان، عدم استفاده ی مناسب از رسانه های ارتباط جمعی از جمله تلویزیون در جهت اطلاع رسانی در این زمینه کمبود منابع و امکانات انجمن اولیا و مربیان را می توان ذکر کرد.

سایر کاستی های جلب مشارکت مردمی:

کاستی های جلب مشارکت مردمی را در عوامل ذیل می توان یافت:

۱. ضعف مدارس در برقراری ارتباط با اولیاء و اطلاع رسانی صحیح و به موقع.

۲. ضعف در برنامه ریزی و عملکرد یا ناهماهنگی در نگرش ها و تصمیم گیری ها با توجه به گوناگونی مدارس از نظر آموزشی، اجتماعی و فرهنگی.

۳. فعال نبودن دانش آموزان در امر مشارکت.

۴. فعال نبودن معلمان در امر مشارکت.

۵. نبود تبلیغات و آگاه سازی برای جلب مردم به مشارکت.

مشارکت همگانی در مدرسه

مشارکت که از آن به عنوان دخالت در فرایند تصمیم گیری هاوتصمیم سازی ها یادشده است موجب افزایش بهره وری در کار، یگانگی وافزایش اعتماد افراد به یکدیگر می شود. مدیریت کیفیت جامع فقط نمی تواند به قابلیت وتوانایی مدیران متکی باشد بلکه به مشارکت افراد و کارگروهی واستفاده از خرد جمعی برای بهینه سازی فرهنگ سازمانی مدرسه تاکید دارد، جو سازمانی دوستانه، حسن مناسبات وارتباطات بین نیروهای انسانی، شناخت واعتماد مدیران گروه و کارگروهی می تواند زمینه ساز وفراهم آورنده ی آموزش وپرورش با نشاط وموثر در مدرسه باشد. مدیران مدارس باید مهارت کار گروهی در مدرسه را فراگیرند و برای ایجاد محیطی مشارکت پذیر نگرش خود رانسبت به سازماندهی کارها تغییر دهند چراکه در کار گروهی می توان از خرد، هوش وابتکار همه ی کارکنان بهره مند شد. آنچه که دانستن آن می تواند راهگشا باشد روشهای فعال شدن کار گروهی درمدرسه است که می توان به نام گذاری گروه، درک اعضای گروه از سوی رهبر گروه، توجه به نیازهای مادی ومعنوی آنان، محبت وصدقت ورزیدن به آنان، عدم شتاب در رسیدن به نتیجه، برداشتن گامهای آهسته ولی پیوسته، اداره ی خودب وفعال جلسات گروه اشاره کرد.

چگونگی فرایند حرکت در مدیریت کیفیت جامع تغییر دائمی در روش مورد نظر است بطوری که این حرکت آهسته ولی پیوست باشد وزمانی این حرکت به نتیجه می رسد که مدیر در اجرای آن مشارکت فعال وموثر داشته باشد. مدیر موفق کسی

است که قبل از اجرای کار زمینه را برای آن آماده کند برای زمینه سازی توجه به موارد زیر ضروری است: تغییر دادن عادت های قدیمی، حاکم کردن تفکر سیستمیک (توجه به کل نه به جزء) صبور بودن، به منافع درازمدت اندیشیدن، از بین بردن ترس بعنوان منابع تغییر، حمایت کامل وجدی رهبر مدرسه و منطقه آموزشی، تهیه برنامه استراتژیک و راهبردی در مدرسه، گسترش رویکرد مشارکتی در مدرسه و جایگزین کردن برنامه محوری به جای موضوع محوری. علاوه بر موارد فوق می بایست به نکات کلیدی دیگری در فرایند حرکت مدیریت کیفیت جامع توجه نمود از آن جمله می توان به مشارکت مدیر مدرسه بعنوان یکی از مهمترین عوامل دست اندر کار حرکت، بالابردن و گسترش آگاهی کلیه کارکنان از موضوع، ایجاد تغییر در نگرش کارکنان و بالا بردن مهارتهای آنها اشاره کرد پس از زمینه سازی نوبت به تهیه برنامه ی اجرایی بهبود مدرسه می رسد ابتدای مطالعه موقعیتی که در آن قرار داریم می پردازیم در این مرحله ترسیم چشم انداز - ماموریت رسالت مدرسه، چالش ها و نهایتاً "موقعیتی که می خواهیم به آن برسیم را مورد توجه قرار می دهیم به عبارت دیگر وضعیت موجود مدرسه و وضعیت مطلوب مدرسه شناسایی می گردد.

در مرحله دوم از طریق ابزارهای مختلف به شناسایی مشکلات پرداخته و فاصله ی بین وضعیت موجود و مطلوب را مشخص می نماییم در مرحله سوم به شناسایی، انتخاب و تحلیل فرایندهای مدرسه برای بهبود و ارتقای فرایندها می پردازیم در ادامه استراتژی های بهبود مدرسه را تعیین می کنیم در مرحله پنجم برای بهبود مدرسه برنامه ریزی می کنیم این برنامه ریزی شامل زمان بندی پروژه ها و فعالیت ها، اولویت گذاری، سازماندهی و بسیج منابع و امکانات برای هرچه بهتر انجام شدن برنامه ها و... است. (رادمش، محمد حسین، ایده های ناب مدیریتی، ۱۳۸۶ و مجله رشد، مدیریت مدرسه، مهرماه ۱۳۸۵)

بارشد و پیشرفت تکنولوژی و فن آوری اطلاعات، جامعه انسانی دگرگون شده و سرعت دچار تغییر می شود این تغییرات خود به خود نیازهای جدید را نیز بوجود می آورد دست اندرکاران تعلیم و تربیت می بایست همزمان با این تغییرات برنامه ریزی نمایند و خود نیز ضمن کسب اطلاعات و آگاهی های جدید به روشهای مناسب و نوین آموزشی و پرورشی مجهز شوند یکی از مواردی که در امر آموزش و تربیت دانش آموزان نقش اساسی دارد فراهم آوردن وسایل و امکانات سخت افزاری و نرم افزاری است اما در زمانهای مختلف دیدگاههای افراد صاحب نظر متفاوت بوده است عده ای در مدیریت آموزش و پرورش ریشه بسیاری از مشکلات و حتی راه حلهای آن را در ورودی های سیستم مدرسه می جویند به عبارت دیگر امکانات سخت افزاری را مهمتر قلمداد می کنند و معتقدند که اگر ظرفیت های ورودی مدرسه از قبیل منابع مالی، فیزیکی و پول افزایش یابد می توان همه تنگناها و مشکلات مدرسه را حل کرد عده دیگری هم براین باورند که گرچه ورودی های سیستم مدرسه و منابع مالی و فیزیکی حایز اهمیت و موثر هستند اما باید بیشتر به فرآیند سیستم توجه شود این گروه تدریس، مدیریت، ارزشیابی، محتوی و روشها را بعنوان امکانات نرم افزاری موثر تر می دانند. (فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش شماره ۲۲ و مجله رشد، مدیریت مدرسه، دوره هشتم، مهرماه ۱۳۸۸)

پیشنهادات راهبردی برای مدیران در جهت همسو سازی مشارکت والدین در امور مدارس

- در آموزشگاه کمیته ی مدیریت کیفیت را تشکیل دهید و سعی نمایید مدیر مدرسه خود شخصاً "مدیریت و رهبری این کمیته را بعهده گیرد و ضمن استفاده از همه ی معلمان و دانش آموزان در برنامه ریزی، فرایند نتایج را مرتباً" ارزیابی نماید.

- مدیر مدرسه ضمن توجه جدی به مدیریت روابط انسانی در اداره ی مدرسه، سبک مدیریتی خود را برپایه ی مشارکت قرار دهد تا از این طریق در قلب و روح کارکنان و دانش آموزان نفوذ نماید.

- مدیر مدرسه می بایست با مشاهده و بازدید از کارها و تجارب موفق سایر مدیران برتجارب خود بیفزایند و طرح ها و الگوهای مناسب مدیران موفق را شناسایی و پس از مطالعه و ارزیابی باتوجه به شرایط مدرسه خود بعداز تغییرات لازم اجرا نماید.

- کیفیت بخشی مدرسه، مستلزم تنظیم اهدافی مشخص است که باید در راستای اهداف وزارت آموزش و پرورش (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش) باشد لذا اهداف وزارت آموزش و پرورش بسیار کلی است و مدیران باید برحسب دوره تحصیلی و بانگاه به اهداف کلی، اهداف اختصاصی و تفصیلی و قابل دست یابی را تدوین کنند.

- برای آموزش کارکنان مدرسه و آشنایی آنها با مدیریت کیفیت دوره های آموزشی لازم برگزار شود و برای کسانی که در این زمینه پیشقدم هستند و تلاش می کنند جوایزی در نظر گرفته شود.

- باید کارها و فعالیت های خوب و طرح های ارزنده مدرسه در جلسه ای به افراد و گروههای ذیربط ارائه گردد تا از این طریق دیگران با تجارب و اندیشه های دیگران آشنا شوند.

- برای ارائه تجارب و اندیشه های نو و پیشنهادهای مفید می توان از وسایلی نظیر اسلاید، فیلم، گراف، ویدئو، پروژکتور و استفاده نمود.

- کارگروهی را به معلمان آموزش دهید برخوردی باز داشته باشید و جلسات بحث های نظری تشکیل دهید سعی کنید تا از مزایای کارگروهی بهره مند شوید و به جای پاداش دادن به عملکردهای فردی به عملکردهای گروهی پاداش دهید .

- شوراهای مدرسه و تشکلات دانش آموزی را تشکیل دهید و با واگذاری مسوولیت های مختلف حتی اداره مدرسه و کلاس به دانش آموزان زمینه پرورش حرفه ای آنها را فراهم کنید .

- مدیر مدرسه می بایست به معلمان و کارکنان مدرسه برای رفتار درست آنها پاداش دهد این کار باعث می شود تا نتایج مثبت بیشتر شود همچنین باید به کارهای برجسته به خلاقیت های کاربردی، به ساده کردن کار، به کیفیت کار، به کارهای تیمی و نهایتاً به کسانی که رفتار موثر دارند پاداش داد این پاداش می تواند هم مادی و هم معنوی باشد .

- معلمان می بایست در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری فعالیت های آموزشی مدرسه و ارتقای شایستگی های حرفه ای معلمان از پژوهش مشارکتی که یکی از اثر بخش ترین نوع پژوهش در حین عمل می باشد استفاده نمایند برای اینکار لازم است آموزش های لازم را به معلمان ارائه داد .

- مدیر مدرسه باید به همان اندازه که به زیردستان (معلمان و کارکنان مدرسه) آزادی عمل می دهد به همان اندازه هم اقتدار خود را بکار گیرد و نظارت لازم را بر کار آنها داشته باشد .

- مدیر مدرسه به کارکنان و معلمان اجازه می دهد تا در حوزه محدودیت های تعیین شده توسط او تصمیم گیری و انجام وظیفه نمایند.

- مدیران باید بجای سخت کار کردن، کاغذ بازی و بوروکراسی اداره به زیبا کردن، و همچنین درست و نرم و روان کار کردن بپردازند .

- مدیران باید از پیشداوری در مورد معلمان، کارکنان و دانش آموزان اجتناب نموده و به کسی برچسب نزنند، و طوری رفتار کنند تا همه افراد در کارها و حل مشکلات همدیگر را یاری کنند . (رادمنش، محمد حسین، ایده های ناب مدیریتی، ۱۳۸۶ و مجله رشد، مدیریت مدرسه، مهرماه ۱۳۸۵ و مجله رشد، مدیریت مدرسه، دوره هشتم، مهرماه ۱۳۸۸)

زمینه های مشارکت خانواده در آموزش و پرورش

مشارکت در زمینه ی کمک به تحقق اهداف آموزشی و تربیتی

توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش یک اصل پذیرفته شده است. البته این مشارکت می تواند به طرق گوناگون انجام پذیرد. شاید اولین مورد در امر آموزش و پرورش که فوراً به ذهن متبادر می گردد مشارکت مادی آنها در این امر مهم باشد. لکن گرچه این نوع مشارکت پسندیده و حتی لازم است اما اهمیت آن به اندازه سهم والدین در کمک به تحقق هدف های آموزش و پرورش نیست. (منصور رحیمی فر، ۱۳۹۲)

مشارکت در تصمیم گیری مربوط به مدرسه و دانش آموزان

بزرگان دین مبین اسلام و از آن جمله مولای متقیان مشورت را پشتوانه ای منحصر به فرد برای انسان می دانند. در قرآن کریم هم بارها به مردم توصیه شده است که در امورشان به مشورت پردازند ((وشاور هم فی الامر)) یا ((امرهم شورا بینهم)). (قرآن کریم - سوره ی شوری) یکی از مهم ترین زمینه های مشارکت والدین در امر تصمیم گیری برای نحوه ی اداره مدرسه می باشد. اولیا با تشکیل انجمن اولیا و مربیان و به دعوت مدیر مدرسه می توانند او را در اتخاذ تصمیم گیری مدرسه ... مشارکت داشته اند، برای تحقق و اجرای تصمیمات گرفته شده از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند و در نتیجه در عواقب تصمیمات مزبور خود را شریک می دانند. این بدان معناست که چنانچه نتایج مطلوبی به بار آمد تشویق شده و به این کار ادامه خواهند داد و اگر حاصل این تصمیمات نامطلوب بود صرفاً به سرزنش اولیای مدرسه نمی پردازند. در حقیقت زمانی که صحبت از تصمیم گیری در مورد فرزندان خود در میان باشد کسی اولی تر از خود والدین نمی باشد. (منصور رحیمی فر، ۱۳۹۲)

مشارکت در تعیین اهداف آموزش و پرورش

از آنجا که والدین به طور ملموس با مشکلات و مسائل فرزندان دانش آموز خود سر و کار دارند بیشتر از هر کس دیگری می توانند در زمینه ی هدف های آموزش و پرورش اظهار نظر کنند. به عبارت دیگر در تعیین اهداف آموزش و پرورش اولیا می توانند نقش به سزایی ایفا نمایند و در این زمینه مشارکت فعال داشته باشند.

مشارکت در تعیین رهبران آموزشی

همان طور که دربند دو متذکر گردید چنانچه گروهی برای امر خاصی تصمیم گیری نمایند، نتایج مطلوب یا نامطلوب حاصل از آن تصمیم گیری را تقبل کرده و برای تحقق آن تصمیمات تلاش می نمایند. اولیا نیز می توانند در امر انتخاب مدیر مشارکت داشته باشند. البته این امر اکنون به طور غیر مستقیم و غیر مستقیم است لکن چنانچه از طریق مراجع قانونی چنین اختیاری به اولیا داده شود، آنگاه در جهت اداره مدرسه پی گیری های بیشتری خواهند کرد و خود را ملزم به تحقق اهداف مدرسه در جهت تعلیم و تربیت فرزندان خویش می دانند.

کمک به توسعه و ارتقای فناوری در آموزش و پرورش

در آستانه قرن بیست و یکم و آغاز هزاره ی سوم، عدم آشنایی به نحوه ی استفاده از اینترنت این شاهراه جهانی و ندانستن زبان این ابزار مدرن اگر نگوییم مایه شرمساری است، موجب ناآگاهی از وقایعی است که در گوشه و کنار جهان می گذارد. اگر ما قرار است خود را جزو جامعه بشری بدانیم باید مجهز به زبانی باشیم که بتوانیم با این جامعه جهانی ارتباط برقرار کنیم. هم مجهز شدن به تکنولوژی اینترنت و هم داشتن مهارت استفاده از زبان بین المللی، مشارکت همه جانبه ی دولت و مردم را می

طلبید. اقدام والدین در تجهیز مدارس به کامپیوتر و گزینش معلمان خبره و کارآمد که بتوانند زبان را به طور کاربردی آموزش دهند از دیگر جنبه هایی است که ضروری به نظر می رسد.

مشارکت در امر آموزش های ضمن خدمت به ویژه آموزش کامپیوتر و اینترنت

دانش معلمانی که دیروز آموزش دیده اند برای نسل امروز که خود سازندگان امیدهای مملکت در آینده هستند، کارآمد نیست. معلمان ما باید دانش خود را روز (up- to - date) نمایند. به روز کردن اطلاعات معلمان خود مسأله ای است و فراغت فکری و خیال آسوده ی معلمان را می طلبد. این قشر زحمت کش چنانچه در معیشت خویش دچار زحمت باشند، تصور نمی شود به فکر بازآموزی خویش باشند و تازه اگر هم بخواهند در این اندیشه باشند تجهیزات لازم و از آن جمله کامپیوتر و دسترسی به اینترنت برایشان اگر کاملاً ناممکن نباشد، بسیار دشوار است. لذا مشارکت اولیا و دولت در این جهت نیز می تواند تا حد زیادی کارگشا باشد. (منصور رحیمی فر، ۱۳۹۲)

اهمیت زمان ثبت نام جهت مشارکت

والدین به هنگام انتخاب مدرسه ای برای ثبت نام در تحقق و جستجوی مدرسه ای هستند که مدیر لایق و معلمان مجرب و دلسوز و محیطی سالم و دوستانه داشته باشد. مدیر توانمند می تواند با بهره گیری از کلیه ی امکانات مادی انسانی مدرسه را به پویاترین شکل ممکن به پیش ببرد. این مهم از دید اولیای دانش آموزان که برای آینده ی فرزند خویش دغدغه و نگرانی دارند پنهان نمی ماند. به همین جهت یکی از حقوق طبیعی والدین تحقیق و بررسی در مورد شایسته ترین فرد برای انجام رسالت مدیریت مدرسه می باشد که با شناسایی و معرفی او به اداره منطقه حکم مدیریت او را برای مدرسه فرزند خویش فراهم نمایند. یکی از روش های مؤثر برای جبران کمبودهای آموزشی اتخاذ روش های مناسب برای مشارکت والدین در سرمایه گذاری می باشد که می تواند کمبود منابع در آموزش و پرورش را جبران نماید و با اجرای مسؤولیت دولت در این زمینه کاهش می یابد. کارشناسان به این نتیجه رسیده اند که جلب سرمایه های مردمی و مشارکت والدین در امور مالی آموزش و پرورش و مدرسه یکی از راه هایی است که می تواند بحران های مالی آموزش و پرورش را کاهش دهد و هم چنین منبعی قابل اعتماد است و ارزشمند. (منصور رحیمی فر، ۱۳۹۲)

پیشنهادات تحقیق

- ۱- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو آموزش و تدریس به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:
 - همکاری در ایجاد هماهنگی بین فعالیت های آموزشی و پرورشی مدرسه و خانواده
 - شرکت در جلسات مشترک با معلمان برای بهبود فعالیت های مدارس
 - مساعدت در شناسایی مشاغل و هدایت تحصیلی و شغلی فراگیران
 - مساعدت در شناسایی نیازهای آموزشی و پرورشی فراگیران
 - همکاری در برگزاری مسابقات گوناگون آموزشی و پرورشی مدارس
- ۲- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو امور مربوط به کارکنان مدرسه به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:
 - همکاری در برگزاری هرچه باشکوه تر مراسم بزرگداشت مقام معلم
 - تقدیر و تشکر از فرهنگیان و معلمان فعال و دلسوز بازنشسته
 - همکاری و مساعدت در انجام سفرهای زیارتی و سیاحتی فرهنگیان
 - مساعدت در تاسیس صندوق قرض الحسنه مدرسه
- ۳- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو امور مربوط به امور دانش آموزان به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:

- همکاری در تهیه هدایا و جوایز به منظور تشویق و ترغیب دانش آموزان
- همکاری در ارائه خدمات رفاهی به دانش آموزان کم بضاعت
- همکاری در برگزاری گردش های علمی، آموزشی، تفریحی و تربیتی دانش آموزان
- مشارکت در برگزاری مراسم مذهبی و تشویق دانش آموزان به انجام فرایض دینی
- همکاری در ارائه خدمات بهداشتی برای تامین بهداشت جسمی و روانی دانش آموزان
- ۴- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو امور مالی و اداری مدارس به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:
 - ارائه کمک های مالی و مادی به مدارس
 - مساعدت فکری به مدیریت مدارس در اداره بهتر واحد آموزشی
 - همکاری در زمینه حسابداری و ثبت دفاتر مالی مدارس
 - همکاری در جذب و جلب کمک های مالی و مادی خیرین به مدارس
 - همکاری در تامین هزینه های مصرفی مدارس از قبیل قبض های آب و برق، تلفن و گاز
- ۵- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو ارتباط مدرسه و اجتماع به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:
 - حضور فعال در انجمن اولیا و مربیان و مشارکت در فعالیت های مدارس
 - همکاری در انعکاس نظرات و انتظارات مردم از مدارس
 - مساعدت در برقراری ارتباط موثر مدارس با مساجد و اماکن مذهبی و دینی جامعه
 - همکاری در استفاده مدارس از مراکز فرهنگی، تربیتی و آموزشی موجود در جامعه
 - مساعدت در انتقال صحیح فرهنگی، دینی و ملی به دانش آموزان
- ۶- مهمترین راه های مشارکت اولیای دانش آموزان در قلمرو تسهیلات و تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی مدارس به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:
 - همکاری در تامین امکانات بهداشتی و کمک های اولیه مدارس
 - مساعدت در تهیه وسایل آموزشی و کمک آموزشی مدارس
 - مشارکت در بهسازی و زیباسازی محیط و فضاهای مدارس
 - همکاری در مرمت و تعمیر وسایل و امکانات و تجهیزات مدارس
 - تهیه و تامین وسایل و امکانات و تجهیزات موردنیاز مدارس
- راه های جلب مشارکت دانش آموزان در امور مدرسه:
 - مهمترین راههای مشارکت دانش آموزان در امور مدرسه عبارتند از:
 - واگذاری مسئولیت به دانش آموزان
 - تشکیل کانون های مذهبی، علمی، فرهنگی، ورزشی و هنری توسط دانش آموزان و ترغیب آنان به شرکت فعال در آنها
 - محول کردن اجرای مراسم مختلف مدرسه به دانش آموزان
 - ایجاد رقابت های سالم بین فراگیران

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آیین نامه انجمن اولیا و مربیان واحدهای آموزشی، وزارت آموزش و پرورش
۴. بهبودی، هایده (۱۳۹۰) ضرورت آموزش والدین کودکان با نیازهای ویژه، مجله پیوند، شماره ۳۷۹ و ۳۷۸ صفحه ۲۷

۵. تیموری، کاوه: «فصل طلایی مشارکت». نشریه پیوند، شماره ۲۳۱. تهران ۱۳۷۷.
۶. پیرزادیان، حسین، مدیر موفق، انتشارات موسسه یاس بهشت، چاپ اول ۱۳۸۵
۷. پیوند: نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، شماره ۲۷۱
۸. جهانگرد، یدالله: «روش های مشارکت مطلوب نهادهای اجتماعی» فصل نامه مشارکت، شماره ۷، تهران ۱۳۷۵.
۹. جهانگرد، یدالله، آشنایی با انجمن اولیا و مربیان، انتشارات دفتر انجمن اولیا و مربیان
۱۰. حائری زاده، خیریه بیگم، محمد حسین، لیلی (۱۳۸۴) ویژگی های معلم موثر، چاپ اول، انتشارات منظومه خرد، نشر قطره
۱۱. رشید پور، مجید، چگونه باید تربیت کرد، (تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۹)
۱۲. دسلر، گری. (۱۳۶۸). مبانی مدیریت، ترجمه: داوود مدنی. تهران: انتشارات آرین.
۱۳. دانلد، مک، روانشناسی تربیتی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)
۱۴. دیماتور، امرآوین؛ روان شناسی سلامت، ترجمه کیانوش هاشمیان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸ ش .
۱۵. سیف نراقی، مریم؛ فریقی، سهیلا (۱۳۹۲). بررسی چگونگی تعامل اولیا، معلمان، دانش آموزان عادی و دیرآموز و رابطه آن با افت تحصیلی دیرآموزان در مدارس عادی. تعلیم و تربیت استثنایی. سال سیزدهم. شماره ۵. پیاپی ۱۱۸.
۱۶. شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، (مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵)
۱۷. صالحی، سید مهدی، مدرسه و تربیت، (قم: مجتمع آموزشی پیامبر اعظم (ص)، بهار ۱۳۸۶)
۱۸. صفوی، امان الله: «حلقه مفقوده ی رابطه والدین با مدرسه». فصل نامه مدیریت در آموزش و پرورش، دوره پنجم، شماره ۱۹ و ۱۸، تهران ۱۳۷۷.
۱۹. صمدی، معصومه؛ رضایی، منیره (۱۳۹۰). بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۱۲. ص ۹۵-۱۱۷.
۲۰. کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۸۷)، درآمدی بر نحوه ی گذراندن اوقات فراغت، (مجله پیوند، شماره ۳۴۶)
۲۱. طوسی، محمدعلی و بازرگان، زهرا: «سمینار در آموزش و پرورش» جزوه درسی. تهران ۱۳۷۳.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹ ق .

Investigating Cultural Practices of Parent in Cultural-Educational Affairs of Schools

Fatemeh Soghra Momenyan¹, Narges Aboutalebi², Khadijeh Nowruzi³

1. Islamic Azad University of Sari, Master of Art in Educational Technology, Cultural Affairs Expert, Sari Farhangian University

2. Islamic Azad University of Sari, Master of Art in Educational Psychology, Sari Farhangian University Educator

3. Vocational expert, Teacher Training Center, Gaemshahr, Iran, Teacher in Neka City

Abstract

The family as a social institution guarantees health, welfare, and uplift of the community. In other words, home and family are considered as main founder of the child's personality. Family is the first school in each community. On the other hand, it is the educational administrators. If these two take step in educating the children of this country, it will lead to educated generation ready to provide service for future of Islamic country. Therefore, the participation role of family in cultural, scientific, educational, and religious affairs is very important. Nowadays, it has high status in the formal and informal education system of the countries.

Keywords: Practice, Parent Participation, Cultural Affairs, Schools
